

جایگاه نمادهای هویت ملی در زبان و ادب فارسی؛ مطالعه موردی: آثار داستانی جمال زاده

فاطمه رضایی خیرآبادی^۱

دکتر رضوان حکیم زاده^۲

دکتر محمدحسین محمدی^۳

سید علی خالقی نژاد^۴

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۵/۲۸

چکیده

توجه به مسئله هویت ملی در عصر مشروطه از اهمیت زیادی برخوردار شد؛ دغدغه هویت ملی در آثار بسیاری از نویسندگان این عصر، گویای جایگاه این مسئله در این دوره تاریخی است. از جمله این نویسندگان، پدر داستان‌نویسی کوتاه ایران، سید محمدعلی جمال‌زاده است. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف تشریح جایگاه نمادهای هویت ملی در آثار این نویسنده (یکی بودیکی نبود؛ تلخ و شیرین؛ کهنه و نو؛ قصه مابه سر رسید) در مراحل مختلف زندگی ادبی او صورت گرفته است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی، کیفی است که با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. بدین منظور با مطالعه ابعاد هویت ملی، مباحث نظری و ادبیات پژوهش درباره هویت ملی، مؤلفه‌هایی برای این هویت تعیین و سازه تحلیل محتوا تهیه شد و بر مبنای آن، میزان و نوع توجه به هویت ملی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های هویت ملی در داستان‌های جمال‌زاده، بیشترین فراوانی متعلق به نمادهای زبان فارسی است. در مراحل بعدی این واکاوی نمادهای جغرافیایی، تاریخی، ادبیات، و مشاهیر و فرهنگ از بیشترین فراوانی‌ها برخوردارند. تعمق در آثار جمال‌زاده نشان می‌دهد این

rezaee2827@yahoo.com

hakimzadeh@ut.ac.ir

(Sali_khaleghi@ut.ac.ir)

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران

۲. استادیار دانشگاه تهران

۳. استادیار دانشگاه تهران

۴. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی از دانشگاه تهران

نویسنده در اوایل داستان‌نویسی، به ساختار عینی و مادی هویت توجه بیشتری کرده و در اواخر دوره داستان‌نویسی به ساختار معرفتی هویت بها داده است. تحلیل کیفی محتوای داستان‌های جمال‌زاده نشان می‌دهد عناصر هویت ملی در آثار وی بسیار پُررنگ و تقریباً تمام جنبه‌ها در آن مورد توجه قرار گرفته است. آثار او وابسته به زمینه بوده و از این حیث حال و هوای ایرانی دارند به نحوی که می‌توان گفت هر چند جمال‌زاده خود در ایران نمی‌زیسته است اما در دنیای داستانهایش در ایران و همراه با ایرانیان زیسته است.

واژگان کلیدی: هویت، هویت ملی، داستان‌های جمال‌زاده، تحلیل محتوا

طرح مسئله

هویت ملی پدیده‌ای جدید و موضوعی جهانی محسوب می‌شود که تمامی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود تحولات مداوم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی در آن درگیر هستند. هویت و ملیت ساختارهایی اجتماعی محسوب می‌شوند (آندرسون، ۱۹۸۳؛ به نقل از احمدی، ۲۰۰۵). از هویت ملی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم اتصال مردم در درون یک قلمرو جغرافیایی خاص نام برده شده است (برگ، و هجرم، ۲۰۱۰) که می‌تواند منجر به احساس تعلق در میان اعضای یک جامعه شود. این موضوع، قدم مهمی در ترمیم تعارض‌های گذشته به شمار می‌آید (توماس، ۲۰۰۴؛ به نقل از لایو، لم، و لیونگ، ۲۰۱۰). پرداختن به مفهوم هویت در ایران، هم‌زمان با آشنایی ایرانیان با نخستین ظواهر تمدن غرب مطرح شد و نویسندگان و شعرای زیادی با به‌کارگیری برخی مؤلفه‌های هویت ملی و مذهبی در آثارشان، در ترسیم مرزهای هویت ایرانیان، نقش مؤثری ایفا کردند. به گفته دسای (۲۰۰۶) هویت ملی و میهن‌پرستی از طریق داستان‌ها و درس‌های تاریخی ارتقا می‌یابند. وی در ادامه ذکر می‌کند که کتاب‌های درسی از طریق ارائه مفاهیمی مانند «ما»، «آنها»، «مانند ما» و «غریبه» می‌تواند بر احساسات فراگیران در خصوص هویت ملی اثر بگذارد. بر این اساس، ارتباط مضامین و محتوای ارائه‌شده در کتاب‌ها به عنوان ابزار قدرتمندی برای تعامل و مداخله در هویت یک ملت به وسیله صاحبان اندیشه و روشنفکران به رسمیت شناخته شده است. در این میان، ادبیات به دلیل ماهیتی ذاتی آن که چیزی جز انعکاس نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات افراد



1. Anderson
2. Thomas

یک ملت نیست، در قالب آثار مختلف (برای نمونه، شعر، داستان، رمان و غیره) ظهور کرد و به یکی از نمادهای مهم هویت ملی هر جامعه تبدیل شد.

از جمله نویسندگان تاریخ معاصر ایران که از ابزار ادبیات و قالب داستان برای پرورش و ارتقای هویت ایرانیان تلاش‌های زیادی انجام داد، محمدعلی جمال‌زاده، پایه‌گذار داستان‌نویسی مدرن ایران است. جمال‌زاده روحانی‌زاده‌ای بود که در نوجوانی از ایران رفت و حدود نود سال از عمرش را دور از ایران و به‌ویژه در غرب زیست. بررسی جایگاه هویت ملی در آثار او می‌تواند بسیار آموزنده باشد. او شخصی است که به قول دولت‌آبادی: «نماد تلفیق فرهنگ ایرانی و فرنگی بود... او شخصیت قابل مطالعه‌ای برای ما ایرانی‌ها و حتی برای ارو پای‌ها باید باشد. او سمبل و نماد تلفیق آداب، عادت و فرهنگ ایرانی و فرنگی است. جمال‌زاده نشانی از وحدت در عین دوگانگی است. چراکه در دو سرزمین متفاوت و دور از هم پرورش یافته بود. اما با سفر به سوئیس، هرگز ریشه‌های او در سرزمین مادری‌اش قطع نشد» (۱۳۸۵: ۴۳۶). به قول ایرج افشار، «سال‌هاست که از ایران دور بود... اما خانه اش آراسته به قالی و قلمکار و قلمدان و ترمه و تافته و مسینه و برنجینه‌های کرمان و اصفهان و یزد بود. نشست و خاستش در سراسر عمر با هموطنانش بود.» (۱۳۷۶: ۱۲) بازه زمانی داستان‌نویسی جمال‌زاده در تاریخ معاصر ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. این بازه از سال ۱۳۰۰ که تقریباً آغاز بحث‌های هویتی در ایران بود با «یکی بود یکی نبود» آغاز می‌شود و تا حدود سال ۱۳۵۷ که مصادف با انقلاب اسلامی ایران بود ادامه یافته و با «قصه ما به سر رسید» پایان می‌یابد. نظر به اهمیت بحث هویت در این بازه زمانی و نقش جمال‌زاده در داستان‌نویسی ایران، در این پژوهش کوشش شده است تا جایگاه هویت ملی در آثار جمال‌زاده بررسی شود.

چهارچوب مفهومی

در لغت‌نامه دهخدا، «هویت» تشخص معنا شده که میان حکما و متکلمان مشهور است. واژه هویت یا «Identity» ریشه در زبان لاتین دارد. (Identities) از Idem به معنای «مشابه و یکسان» ریشه می‌گیرد (علیخانی، ۱۳۸۳: ۱۹۳). مجتهدزاده (۱۳۸۱؛ به نقل از صادق‌زاده، ۱۳۸۶) معتقد است هویت به معنای چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن در پیوند با چیزی یا جایی پدید می‌آید؛ نیاز به وابستگی، ریشه‌ای ذاتی یا غریزی در انسان دارد و برآورده شدن این نیاز موجب خودآگاهی فردی او می‌شود؛ به عبارت دیگر هویت شامل «مجموعه‌ای



از علائم، آثار مادی، زیستی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر (فرهنگی از فرهنگ دیگر) می‌شود» (علیخانی، ۱۳۸۳: ۳۱۸). اما هویت دارای انواع مختلفی (اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، ملی و غیره) است و به نوعی می‌توان گفت سازه هویت دامنه گسترده‌ای از مسائل هر جامعه را دربرمی‌گیرد. مهم‌ترین سطح هویت، هویت ملی است که وابستگی فرد به «جامعه ملی» را نشان می‌دهد (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۰ و ۳۱). برخی هویت ملی را هویت محوری^۱ نام نهاده‌اند (علیخانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). واژه هویت ملی را ویلیام بلوم^۲ (۱۹۹۰؛ به نقل از احمدی، ۲۰۰۵) موقعیتی تعریف می‌کند که «اکثریت مردم یک کشور به عنوان یک ملت گروه با تشابهات روان‌شناختی، تعلق مشابهی به نمادهای ملی یا به نوعی درونی کردن نمادهای ملی احساس می‌کنند؛ به این منظور که وقتی خطری به وجود می‌آید یا احتمال خطر در ارتباط با این نمادها افزایش می‌یابد، اقدام کنند. فیننی، بری و سام (۲۰۰۶) از آن به عنوان سازه‌ای گسترده مشتمل بر احساس تعلق و نگرش به جامعه‌ای بزرگ‌تر تعریف کرده‌اند.

/ احمدی (۲۰۰۵) عقیده دارد در ارتباط با مفهوم هویت به طور کلی و هویت ملی به طور خاص، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به زعم وی، تئوری‌های جهانی‌سازی بر نادیده گرفتن هویت قومی و ملی، و تلاش برای افزایش هویت‌های جهانی در عصر جهانی‌شدن تأکید زیادی دارند. به این منظور، ماهیت و کارکرد فرایند جهانی‌شدن، مشوق جایگزینی هویت ملی با هویت‌های جهانی است. در مقابل، رویکرد پُست‌مدرن و سازاگرا^۳ متمرکز بر اهمیت و ارجحیت تفاوت‌ها - فراتر از هویت - به منظور آزادسازی نیروی‌های کم‌اهمیت و گوش دادن به صداهای خاموش در جوامع مدرن است. در مجموع فارغ از نگاه‌های فلسفی متفاوت و متنوع درباره هویت، آنچه در این باره قابل تصور است این است که ساخت هویت فرایندی طولانی مبتنی بر شکل‌گیری فرهنگی و تاریخی است و محصول نهایی آن نیز پدیده‌ای با ثبات و دوام نسبی است که اگر این ثبات و دوام، غیرقابل تغییر در نظر گرفته شود اشتباه است (پالویچ، ۲۰۰۳).

مؤلفه‌های هویت ملی

تعریف مؤلفه‌های اصلی هویت ملی کار آسانی نیست و در حقیقت، چنین تعریفی احتمالاً

1. Core Identity
2. Bloom
- 3 deconstructive



امکان‌پذیر نباشد زیرا پیدا کردن صفاتی که به وسیله هر کسی در جامعه به کار گرفته می‌شود، و اینکه بتوان در یک زمان یک جامعه را از دیگر جوامع تشخیص داد (دسای، ۲۰۰۶)، کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. با توجه به گستردگی مفهوم هویت ملی، تفاوت‌های زیادی درباره مؤلفه‌های هویت ملی وجود دارد و به نوعی می‌تواند گفت صاحبان اندیشه در این باره که مؤلفه‌های هویت ملی کدامند و کدامیک از این مؤلفه‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند، به توافق جامعی دست نیافته‌اند. برای نمونه، برخی از صاحب‌نظران (فالک، ۱۳۷۳؛ کوزر، ۱۳۷۳) زبان را مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی می‌دانند. کورت (۲۰۰۷) از مذهب به عنوان شکل دهنده هویت ملی یاد کرده است؛ گروهی (زرین‌کوب، ۱۳۷۶؛ راعی، ۱۳۸۲)، فرهنگ را مؤلفه مهم هویت ملی می‌دانند. برخی (میرمحمدی، ۱۳۸۳؛ احمدی، ۱۳۸۳) نگاهشان به تاریخ بوده و آن را مؤلفه بنیادین و عمده‌ترین عنصر هویت ملی برشمرده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۲). بر اساس نظر محرمی هویت را در دو حوزه شکلی (اسناد، ابنیه‌ها، لباس، پرچم، محدوده جغرافیایی و غیره) و نیز محتوایی (ذهنیت جامعه، افتخارات، احساسات، ادراکات، آرمان‌ها، حافظه تاریخی) و مظاهر فرهنگی همچون زبان، دین، آداب و رسوم و ارزش‌ها و غیره می‌توان مشاهده کرد (علیخانی، ۱۳۸۳: ۶۷). به زعم لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) هویت ملی ریشه‌های تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، تابعیت دولتی مشترک، دفاع از سرزمین، سنت‌های فرهنگی و ادب و زبان مشترک را شامل می‌شود. خانیکی عقیده دارد هویت ملی پدیده‌ای چندوجهی است و در هر دوره یا مرحله‌ای اثر عوامل مختلف بر آن متغیر است (علیخانی، ۱۳۸۳: ۹). حاجیانی در پژوهش خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران» هویت ملی را دارای ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی و ادبی می‌داند (۱۳۷۵: ۱۰۸). پژوهش دیگری که برآیند نتایج آن با نتایج پژوهش‌های گفته‌شده، بنیان کار این مقاله هستند، مقاله «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی» از د/وری اردکانی است که در صدد است بفهمد مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی از دیدگاه ایرانیان کدامند.

ضرورت پژوهش

مک کروون و بچهوفر (۲۰۰۸) عقیده دارند هویت ملی بر انتخاب‌های زندگی ما تأثیرگذار است و هویت را با مسئله «او یکی از ماست» در مورد مشارکت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی افراد در یک جامعه بزرگ مورد ملاحظه قرار داده‌اند. بارتلینی^۱ (۲۰۰۷) و فررا^۲ (۲۰۰۵) هویت

1. Bartolini
2. Ferrera



ملی را برای توسعه جامعه دموکراتیک ضروری می‌دانند (به نقل از برگ و هجرم، ۲۰۱۰). گودسون (۱۹۹۰: ۲۲۱؛ به نقل از پرستلی، ۲۰۰۲) در ارتباط با تعادل موضوعات و مباحث در برنامه درسی ملی پیشنهاد می‌دهد که مطرح کردن مباحثی از هویت ملی باید برتری بیشتری از ضرورت‌های اقتصادی و صنعتی در چنین برنامه‌ای داشته باشد. مسئله هویت در سازمان‌دهی موضوعات بین‌المللی (گارزکی، و اسکرد گلیدیتش، ۲۰۰۶) نماد مهمی برای فعالیت‌های جمعی تحت مشکلات امنیتی (گارزکی، و اسکرد گلیدیتش، ۲۰۰۶) تلقی می‌شود. از نظر برگ و هجرم (۲۰۱۰) هویت ملی می‌تواند قدرت خود را فراتر از افراد جامعه گسترش دهد و منجر به نوعی مفهوم‌سازی شود که به توسعه دل‌بستگی و نگرش افراد می‌انجامد. افراد در بافت اجتماعی خاص، احساسات اجتماعی، نگرش‌ها و تصورات خویش را از طریق زبان و دیگر اشکال نمادین به دست می‌آورند (کاسورم، ۲۰۱۰). در مجموع مباحث گفته‌شده نشان‌دهنده اهمیت و ارزش جایگاه هویت ملی در یک کشور است.

نظر به نقش مهم ادبیات در یکپارچگی سیاسی ایران (احمدی، ۲۰۰۵)، ادبیات مشروطه و از جمله آثار جمال‌زاده تاکنون از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. «مباحث اجتماعی در نوشته‌های غیر داستانی جمال‌زاده» توسط علی‌کالی‌راد مورد بررسی قرار گرفته است. محمدباقرنوردی موضوع «جمال‌زاده و کمیته ملیون ایرانی برلین» را مورد پژوهش قرار داده است. داستان‌نویسی جمال‌زاده، توسط نهاد آلپ‌ترک بررسی شده است. احمد مهدی «ساختار روایت در داستان‌های جمال‌زاده» را بررسی کرده است. «فرهنگ لغات، ترکیبات و ضرب‌المثل‌های عامیانه در آثار داستانی جمال‌زاده» توسط مهسا پوردخانی تهیه شده است. کاوش‌های صورت‌گرفته حاکی از آن است که آثار جمال‌زاده بیشتر از جنبه‌های زبانی و داستان‌نویسی و فعالیت‌های سیاسی او مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تاکنون در قالب پژوهشی، جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی در آثار او مورد بررسی قرار نگرفته است. پژوهش‌های تحلیل محتوایی مرتبط با هویت در ادبیات، بسیار کم هستند. در نمونه‌های مورد اشاره، مؤلفه‌های هویتی در دیوان عارف قزوینی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (علم و جودکی، ۱۳۸۸). با توجه به اهمیت مفهوم هویت و جایگاه آن در تاریخ معاصر ایران و همچنین اهمیت جایگاه ادبیات در معرفی و تحکیم هویت و نقش جمال‌زاده در ادبیات داستانی ایران، بررسی جایگاه هویت ملی در آثار او جالب و حائز اهمیت است.

روش پژوهش

روش پژوهش مقاله حاضر، مبتنی بر تحلیل محتواست. این روش به‌ویژه در دهه اخیر کاربرد



بسیاری در زمینه‌های مختلف تحقیقاتی پیدا کرده و نقش مهمی در بررسی رسانه‌های جمعی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دارد. «تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها» (کرپندورف، ۱۳۹۰: ۲۵)؛ یا به شکل کلی‌تر «به هر روشی اطلاق می‌شود که از طریق آن بتوان با مشخص کردن عینی و قاعده‌مند ویژگی‌های خاص پیام‌ها، استخراج نتیجه کرد» (رایف، لیسو و جی. فیکو، ۱۳۸۸: ۲۴). در این روش پژوهشگر می‌کوشد با قرار دادن اجزای یک متن، کلمه‌ها، جمله‌ها و مانند آن در تعدادی مقوله‌ی از پیش تعیین‌شده، نتیجه‌ی تحلیل را معین کند.

هویت به اشکال مختلف در داستان انعکاس می‌یابد. روش تحلیل محتوا در این مقاله، بررسی نگرش آگاهانه یا ناآگاهانه نویسنده به ساختار هویتی در اثر ادبی‌اش است؛ اینکه بفهمد نویسنده در کجا مؤلفه‌ای را پُررنگ کرده و در کجا مؤلفه‌ای را حذف یا تضعیف کرده است. ابعاد و مؤلفه‌های هویتی، به اشکال مختلف (کلمات، عبارات، مضمون‌ها، پاراگراف‌ها و نماد و غیره) در متن می‌نشینند و کدهای متن را تشکیل می‌دهند. تلاش برای آشکارسازی و دسته‌بندی این کدها، کار محقق تحلیل محتواست. یک سری قواعد مقوله‌بندی و کدگذاری تنظیم می‌شوند تا اطلاعات محتوا را به شکل عینی و عددی به زبان علم یعنی ریاضیات درآورد تا بتوان به طور رسمی نتایجی را از محتوا استخراج کرد. بررسی بافت و زمینه متن و فضایی که متن در آن به وجود آمده، به ما در تحلیل کیفی و رمزگشایی از متن کمک می‌کند.

در این پژوهش دو اثر که مربوط به سال‌های آغاز و پایان بازه داستان نویسی جمال زاده و دو اثر دیگر («تلخ و شیرین» (۱۳۳۴) و «کهنه و نو» (۱۳۳۸) هم از میان این بازه زمانی یعنی سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۸ انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به این شکل که پس از تهیه جدول مؤلفه‌های ملی و قرار دادن کدی برای هر مؤلفه، کدگذاری متن کتاب‌ها آغاز شد و در عین حال با در نظر گرفتن روح کلی حاکم بر داستان‌ها و توجه به کلمات کلیدی در متن، نوع نگرش به هر مؤلفه نیز برای تحلیل کیفی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج توصیفی به شکل نمودار نشان داده شده‌اند. مؤلفه‌های هویت ملی که اساس کار این مقاله قرار گرفتند عبارتند از: فرهنگ (آداب و رسوم و عیاد، لباس، غذا و باورها)، ویژگی‌های اخلاقی ملی (مثبت و منفی)، شناسنامه ایرانی (اذعان به داشتن هویت ایرانی)، آثار و مکان‌های باستانی، اساطیر ملی، پرچم، ورزش‌های باستانی، قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، سرود ملی، جغرافیا و مکان‌ها، اقتصاد ملی، هنر ایرانی، زبان فارسی (اصطلاحات و کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، الفاظ خارجی، خط و الفبای فارسی)، ادبیات، تاریخ و تمدن، مشاهیر ایرانی، تقویم، نام‌های ایرانی.



اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش، تعیین میزان و نوع توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در چهار اثر داستانی (یکی بود یکی نبود، تلخ و شیرین، کهنه و نو، قصه ما به سر رسید) از محمدعلی جمال‌زاده است. اهداف فرعی پژوهش بدین قرار است:

۱. تعیین میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در متن چهار اثر داستانی جمال‌زاده و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در هر اثر؛

۲. مقایسه میزان و نوع توجه به هریک از نمادهای هویت ملی در چهار اثر داستانی جمال‌زاده؛

۳. بررسی ارتباط بین میزان و نوع توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در آثار داستانی جمال‌زاده با زمان انتشار این آثار.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی: در آثار داستانی جمال‌زاده به چه میزان و با چه نگرشی به عناصر هویت ملی توجه شده است؟

پرسش‌های فرعی

۱. فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در هر کدام از آثار داستانی مورد بررسی چه میزان است؟

۲. بیشترین و کمترین فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در آثار داستانی مورد بررسی مربوط به کدام مؤلفه‌ها هستند؟

۳. نوع توجه به هریک از مؤلفه‌های هویت ملی در آثار داستانی مورد بررسی چگونه است؟

معرفی آثار داستانی مورد بررسی

۱. یکی بود یکی نبود (۱۳۰۰): این کتاب نخستین مجموعه داستانی است که جمال‌زاده منتشر کرد و در تاریخ داستان‌نویسی معاصر ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است و به خاطر آن جمال‌زاده را «پدر داستان‌نویسی مدرن ایران» نامیده‌اند. *انتشارات سخن* این کتاب را در ۲۳۶ صفحه چاپ کرده است. این کتاب شامل شش داستان کوتاه است که عبارتند از: فارسی شکر است، رجل سیاسی، دوستی خاله خرسه، درد دل ملاقربانعلی، بیله دیگ بیله چغندر،



ویلان الدوله.

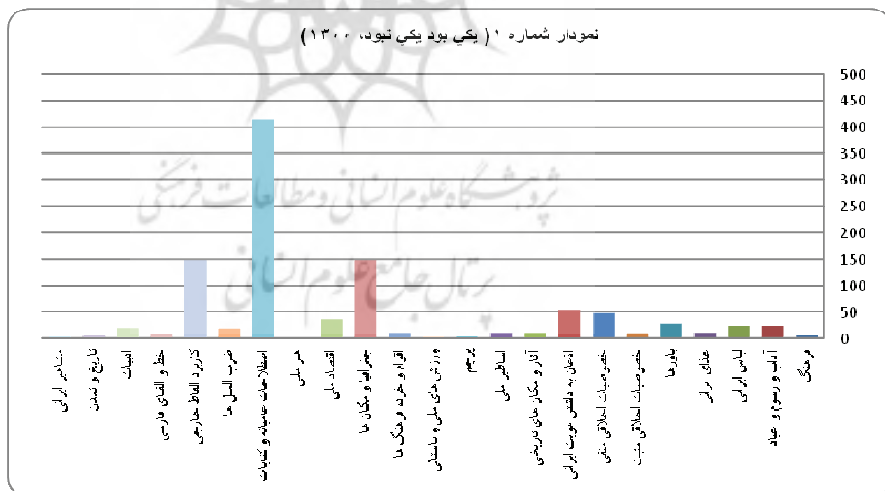
۲. تلخ و شیرین (۱۳۳۴): این کتاب در ۳۰۸ صفحه توسط انتشارات سخن چاپ شده و شامل این داستان‌هاست: یک روز در رستم‌آباد شمیران، حق و ناحق، درویش مومیایی، خواستگاری، آتش زیر خاکستر، و پیشوا. جمال‌زاده در داستان «آتش زیر خاکستر» وقوع انقلاب در ایران را پیش‌بینی کرده است.

۳. کهنه و نو (۱۳۳۸): این کتاب در ۲۹۰ صفحه توسط انتشارات سخن منتشر شده و شامل داستان‌های کوتاه زیر است: ثواب یا گناه، نمک گندیده، عقد تمهیدی، خانه به دوش، همزه و لمزه، عالم هم‌قطاری، باج سبیل، دوقلو.

۴. قصه ما به سر رسید (۱۳۵۷): این اثر آخرین اثر داستانی جمال‌زاده است که نشر سخن آن را در ۴۲۴ صفحه چاپ کرده و شامل داستان‌های زیر است: شیران روبه مزاج، خاک حاصلخیز، ماجرای دهشتناک کلمه «که»، صیغه و عقدی، بارگاه شاهانه.

یافته‌های پژوهش

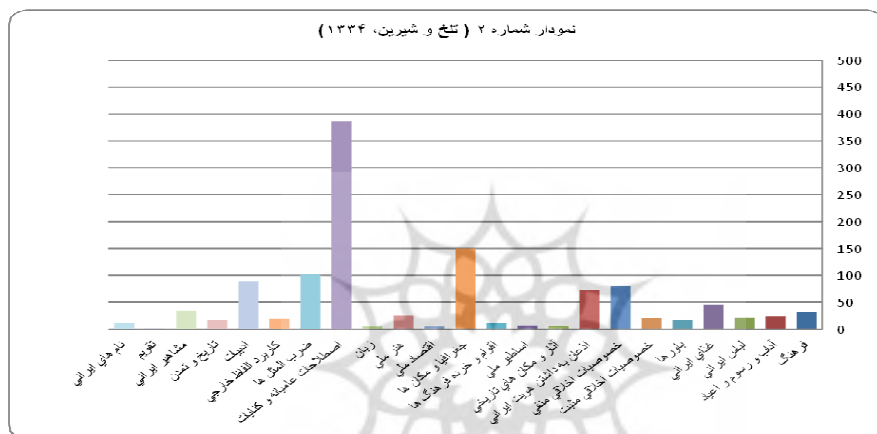
پرسش اول: فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در هر کدام از آثار داستانی مورد بررسی چه مقدار است؟



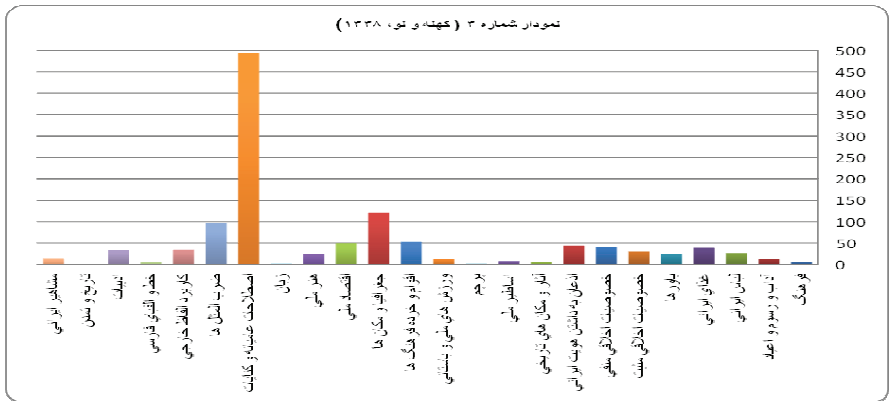
نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی ابتدا متعلق به مؤلفه زبان و سپس جغرافیا و مکان‌هاست. از میان مشتقات مؤلفه زبان بیش از همه، اصطلاح‌های عامیانه و کنایه‌های فارسی و سپس الفاظ خارجی مورد اشاره قرار گرفته‌اند و کمتر از همه به خط و



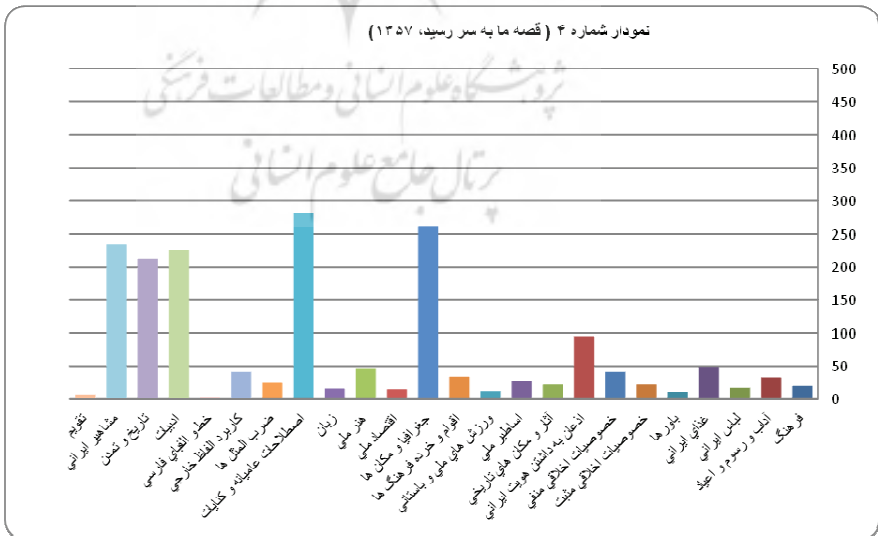
الفبای فارسی توجه شده است. علت توجه زیاد به الفاظ خارجی در این کتاب - به ویژه در داستان «فارسی شکر است» - این است که به برتری لغات و کلمات فارسی در مقایسه با لغات عربی، فرانسوی و غیره اشاره شده است. بجز مؤلفه فرهنگ و مشتقاتش، اخلاق ملی، شناسنامه ایرانی و اقتصاد ملی که تا حدودی مورد توجه قرار گرفته‌اند، بقیه مؤلفه‌های هویتی چندان مورد توجه نیستند. ویژگی‌های اخلاق ملی منفی حدود پنج برابر بیشتر از ویژگی‌های اخلاق ملی مثبت ذکر شده‌اند. کمترین فراوانی مربوط به هنر ملی و ورزش‌های باستانی و ملی است.



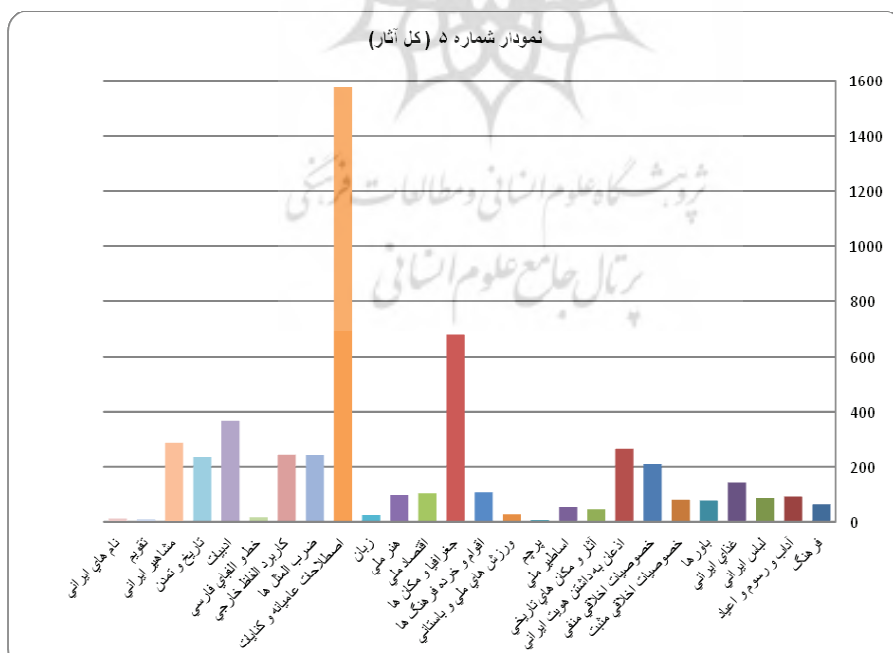
در نمودار شماره ۲ نیز مانند نمودار شماره ۱، بیشترین فراوانی متعلق به مؤلفه زبان و مشتقاتش و سپس جغرافیا و مکان‌ها و فرهنگ و مشتقاتش است. در این نمودار در مقایسه با نمودار شماره ۱، توجه به ضرب‌المثل‌ها بیشتر شده و در عوض، لغات و الفاظ خارجی کمتر مورد اشاره قرار گرفته‌اند. همچنین توجه به ادبیات در مقایسه با نمودار شماره ۱ بیشتر شده است. ویژگی‌های اخلاق ملی منفی، چهار برابر بیشتر از ویژگی‌های اخلاق ملی مثبت ذکر شده‌اند. این نمودار نشان می‌دهد که در کتاب «تلخ و شیرین» برخلاف کتاب «یکی بود یکی نبود» تا حدودی نام‌های اصیل ایرانی به کار رفته‌اند؛ در حالی که کاربرد نام‌ها و القاب مذهبی در کتاب «تلخ و شیرین» نسبت به کتاب «یکی بود یکی نبود» کاهش قابل ملاحظه‌ای دارد.



در نمودار شماره ۳ نیز بیشترین فراوانی متعلق به زبان و مشتقاتش و سپس جغرافیا و مکان‌ها و فرهنگ و مشتقاتش است. مؤلفه‌های شناسنامه ایرانی، قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، اقتصاد و هنر و ادبیات ملی، فراوانی‌های کم، و نزدیک به هم دارند. کمترین فراوانی‌ها در این نمودار متعلق به تاریخ و تمدن، پرچم، اماکن تاریخی، اساطیر ملی، ورزش‌های باستانی و ملی و مشاهیر ملی است. فراوانی شاخه اصطلاح‌های عامیانه از مؤلفه زبان، در این نمودار از نمودارهای کتب دیگر بیشتر است. تفاضل فراوانی ویژگی‌های اخلاق ملی منفی و مثبت، نسبت به نمودارهای ۱ و ۲ کمتر شده است؛ به طوری که ویژگی‌های منفی حدود ۱/۳ برابر ویژگی‌های مثبت هستند.



نمودار شماره ۴ به شکل قابل ملاحظه‌ای با نمودارهای ۱ و ۲ و ۳ تفاوت دارد. از میان مؤلفه‌های هویت ملی، توجه به مؤلفه زبان در این نمودار، نسبت به نمودارهای قبلی تعدیل پیدا کرده و کمتر شده و در مقابل، به شکلی قابل توجهی فراوانی مؤلفه‌های ادبیات، تاریخ و تمدن و مشاهیر ملی بالا رفته است. توجه به مؤلفه جغرافیا و مکان‌ها نیز به شکل قابل توجهی بالا رفته است. پس از این مؤلفه‌ها بیشترین فراوانی متعلق به مؤلفه فرهنگ و مشتقاتش و شناسنامه ایرانی است. کمترین فراوانی‌ها متعلق به قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، ورزش‌های ملی، اقتصاد ملی، اماکن تاریخی و اساطیر ملی است. فراوانی ویژگی‌های اخلاقی ملی منفی تقریباً دو برابر فراوانی ویژگی‌های مثبت است. نکته‌ای که در این نمودار توجه را جلب می‌کند، افزایش چشمگیر میزان توجه به مؤلفه‌های ادبیات و تاریخ و مشاهیر است. «قصه ما به سر رسید» آخرین اثر داستانی جمال‌زاده است که در سال ۱۳۵۷ و نزدیک به زمان انقلاب انتشار یافت. توجه به تاریخ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله و نقد آن (همزمان با بحث‌های مربوط به انقلاب در آن دوره)، علت افزایش توجه به مؤلفه تاریخ در این نمودار است. افزایش توجه به ادبیات و مشاهیر ایرانی در این اثر نیز نشانه افزایش توجه جمال‌زاده به ساختار درونی و معرفتی هویت ملی به جای ساختار بیرونی و عینی آن در اواخر دوره داستان‌نویسی‌اش است.



از نمودار نهایی مؤلفه‌های هویت ملی که خلاصه چهار نمودار قبلی است، برمی‌آید که بیشترین فراوانی‌ها به ترتیب متعلق به زبان و مشتقاتش، جغرافیا و مکان‌ها، فرهنگ و مشتقاتش، ادبیات و اخلاق ملی است. مؤلفه‌های شناسنامه ایرانی، تاریخ و تمدن و مشاهیر ملی تقریباً به یک اندازه مورد توجه قرار گرفته‌اند. قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، اقتصاد و هنر ملی نیز فراوانی کم و تقریباً هم‌اندازه‌ای دارند. اساطیر ملی و اماکن تاریخی نیز تقریباً به یک اندازه و کم مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ اما کمترین فراوانی‌ها متعلق به مؤلفه پرچم ملی و سپس تقویم، نام‌های ایرانی و ورزش‌های ملی است. ویژگی‌های اخلاقی ملی منفی تقریباً ۲/۵ برابر ویژگی‌های اخلاقی مثبت هستند.

پرسش دوم: بیشترین و کمترین فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در آثار داستانی مورد بررسی، مربوط به کدام مؤلفه‌ها هستند؟

نتایج تحلیل محتوای توصیفی مؤلفه‌های هویت ملی در داستان‌های مورد بررسی

در کتاب «یکی بود یکی نبود» کمتر از همه و در کتاب «تلخ و شیرین» بیش از همه، به مؤلفه فرهنگ و مشتقاتش توجه شده است؛ البته فراوانی‌های این مؤلفه در چهار کتاب، تفاوت چشمگیری با هم ندارند. از میان شاخه‌های مؤلفه فرهنگ، بیشتر از همه به غذای ملی توجه شده است. در هر چهار کتاب، فراوانی ویژگی‌های اخلاقی ملی منفی، بیشتر از ویژگی‌های اخلاقی ملی مثبت هستند؛ اما نکته قابل توجه این است که در دو کتاب اول («یکی بود یکی نبود» و «تلخ و شیرین») نسبت ویژگی‌های ملی منفی به ویژگی‌های ملی مثبت، در مقایسه با دو کتاب دوم («کهنه و نو» و «قصه ما به سر رسید») بیشتر است. یعنی تقریباً می‌توان نتیجه گرفت که با نزدیک شدن به پایان بازه زمانی داستان‌نویسی جمال‌زاده، توجه او به ویژگی‌های اخلاقی منفی ملی کمتر و برعکس به ویژگی‌های اخلاقی مثبت ملی بیشتر شده است. میزان توجه به مؤلفه «شناسنامه هویت ایرانی» در هر چهار کتاب تقریباً به یک اندازه است. البته در طول بازه زمانی داستان‌ها - با چشم‌پوشی از کاهش فراوانی این مؤلفه در نمودار شماره ۳ - تقریباً یک سیر صعودی در فراوانی این مؤلفه مشاهده می‌شود. فراوانی آثار و مکان‌های تاریخی و اساطیر ملی در این چهار اثر کم است و قابل توجه نیست. در کتاب آخر، فراوانی این دو مؤلفه بیش از سایر کتب است. فراوانی مؤلفه ورزش‌های ملی و باستانی نیز در کتاب دوم صفر (۰) و در کتاب‌های دیگر بسیار کم است. توجه به قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها در دو کتاب آخر بیش از دو کتاب اول است. بیشترین فراوانی این مؤلفه در کتاب «کهنه و نو» است. در این چهار



کتاب، هیچ اشاره‌ای به مؤلفه سرود ملی نشده است؛ بنابراین این مؤلفه از نمودارها حذف شد. جغرافیا و مکان‌ها، پس از مؤلفه زبان و مشتقاتش، پُرشمارترین مؤلفه در این آثار است که شاید به علت دوری جمال‌زاده از وطن و داشتن احساس نوستالژیک نسبت به مکان‌های جغرافیایی و طبیعت وطن و دلتنگی در غربت باشد. در دو کتاب نخست، این مؤلفه تقریباً زیاد و به یک اندازه مورد توجه است. در کتاب سوم فراوانی این مؤلفه تقریباً کاهش می‌یابد، ولی در کتاب چهارم دوباره به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. بیشترین فراوانی این مؤلفه در کتاب چهارم و کمترین آن در کتاب سوم است. فراوانی مؤلفه اقتصاد ملی در هر چهار کتاب کم است. توجه به مؤلفه هنر ملی نیز در این چهار کتاب کم است و تا اندازه‌ای سیر صعودی دارد. در کتاب نخست، تقریباً هیچ توجهی به این مؤلفه نشده است. توجه بسیار زیاد به مؤلفه زبان و به‌ویژه اصطلاح‌های عامیانه و کنایه‌ها و لغات محاوره که صبغه ایرانی دارند، نخستین نکته‌ای است که با بررسی نمودارها در داستان‌های مورد بررسی به چشم می‌آید. این میزان توجه، اقتضای زمان و بحران در زبان بوده است. بیشترین فراوانی این مؤلفه در کتاب «کهنه و نو» و کمترین آن در کتاب «قصه ما به سر رسید» است. در سه کتاب اول، فراوانی مؤلفه زبان نسبت به فراوانی مؤلفه‌های دیگر چشمگیر است اما در کتاب آخر، فراوانی این مؤلفه کاهش چشمگیری دارد و در مقابل، مؤلفه‌هایی چون ادبیات، تاریخ و تمدن، مشاهیر ملی و جغرافیا و مکان‌ها بیشتر خودنمایی می‌کنند؛ هرچند باز هم فراوانی آنها از فراوانی مؤلفه زبان کمتر است. توجه به مؤلفه ادبیات در کتاب‌های اول و سوم کم، در کتاب دوم متوسط و در کتاب چهارم بسیار زیاد است. فراوانی این مؤلفه در کتاب چهارم افزایش چشمگیری دارد. توجه به تقویم ملی در این کتاب‌ها بسیار اندک است. نام‌های اصیل ایرانی نیز بجز فراوانی اندکی که در کتاب دوم دارند، در سایر کتب تقریباً به کار نرفته‌اند.

پرسش سوم: نوع توجه به هریک از مؤلفه‌های هویت ملی در آثار داستانی مورد بررسی چگونه است؟

نتایج تحلیل محتوای کیفی مؤلفه‌های هویت ملی

در اینجا با توجه به نتایج تحلیل توصیفی و روح کلی داستان‌ها و واحدهای زمینه، به بررسی نگرش جمال‌زاده یا نوع توجه او به مؤلفه‌های هویت ملی که همان تحلیل محتوای کیفی است، می‌پردازیم.



نوع توجه به فرهنگ

مؤلفه فرهنگ، گستردگی زیادی دارد و در این بخش به شکل محدودتری به چهار قسمت تقسیم شده که عبارتند از: آداب و رسوم و عادات و جشن‌ها و اعیاد و غیره، لباس ملی ایرانی، غذای ملی ایرانی و باورهای عامیانه رایج میان مردم.

آداب و رسوم و اعیاد

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در نگهبانی و معرفی هویت ایرانی، آیین‌ها و رسوم ملی است؛ از جمله عید نوروز و شب یلدا که در داستان‌های جمال‌زاده با نگرشی مثبت از آنها یاد شده است. توصیف مراسم نقالی (در داستان «یک روز در رستم‌آباد شمیران») نشان کمال توجه جمال‌زاده به آداب و سنت‌های ملی است. جشن دیگری که جمال‌زاده با شکوه هرچه تمام‌تر توصیف کرده، جشن مردم *سانخور* است. بسیاری از آداب و رسوم محلی در این جشن اجرا می‌شوند. بسیاری از مثل‌ها، اشعار فولکلوریک، ترانه‌ها و نغمه‌های بومی و منطقه‌ای که نمونه‌هایشان در توصیف این دو جشن ذکر شده، ریشه در فرهنگ ملت‌ها دارند. موارد زیادی از مظاهر فرهنگ عامه و عادات و رسوم آنها در داستان‌های جمال‌زاده گفته شده که بیانگر فرهنگ مردم ایران زمین است؛ مواردی از جمله: تعارف کردن مردم با هم، سوغاتی و تعارفی دادن و گرفتن، گوسفند قربانی کردن، اسپند آتش کردن، ماه غسل، آب بر سر عروس و داماد پاشیدن، آب بر تربت اهل قبور پاشیدن، عادات محلی مانند بوق حمام را زدن، بازی‌های محلی مثل سه خال و گنجفه و قاپ و سه قاپ و غیره همه و همه آداب و رسوم و عادات‌هایی هستند که اغلب خوشایند و دلپذیرند و بسیاری از آنها بیانگر حس مهمان‌نوازی و خونگرمی و صمیمیت ایرانیان هستند؛ در جایی هم تشریفات و رسوم قدیمی، زائد و ناپسند شمرده می‌شوند و این اغلب جاهایی است که رنگ و بوی تکلف و تملق و ریا به خود می‌گیرند.

لباس ملی ایرانی

در داستان‌های جمال‌زاده از لباس‌ها و پوشاک زیادی نام برده شده که اغلب مربوط به توده عوام هستند و همگی رنگ و بوی شرقی و ملی و ایرانی دارند. پوشاکی مانند لباده، کلاه نم‌دی، روپند، لنگ، عبا، چهارقد، چادر، قبا، گیوه، تنبان، نعلین، کفش ساغری، سرداری، ارخالق، شال، پاجین، پرچین، کلاغی ریشه‌دار، کلیچه، چاروق و غیره که در این داستان‌ها اغلب کهنه و مندرس و تارو



پود دررفته و لیفه گشاد و توسری خورده و ترک برداشته و چرکین توصیف شده‌اند. با اینکه ظاهر خوبی ندارد ولی به نظر می‌رسد نام بردن اغلب این پوشاک و البسه، برای جمال‌زاده برانگیزنده احساسی نوستالوژیک و یادآور محیط قدیمی دوران کودکی اوست. برخی از این پوشاک، مخصوص شهرهای خاصی هستند مانند نقاب مویی کرمانشاهی، کلاه نم‌دی و جردی، کمر بند ابریشمی یزدی، کپنک کردی، گیوه آجیده اصفهانی، شال ابریشمی یزدی و غیره. جمال‌زاده از لباس و کلاه‌های یادآور سنگ تراشی‌های تخت جمشید با احساس افتخار یاد می‌کند. در داستان‌های جمال‌زاده ظاهراً نگرش کلی به لباس‌هایی که عامل حجاب زن هستند، چندان مثبت نیست. چارقند و چادر اغلب بر سر پیرزن‌ها و زن‌های دهاتی و بی‌سواد است.

غذای ملی ایرانی

نام بردن از غذاها و شیرینی‌های خوشمزه ایرانی، رنگ و بوی ملی به داستان‌های جمال‌زاده داده و هویت ایرانی را در این داستان‌ها پُررنگ‌تر کرده است. نگرش او به غذاها و خوراکی‌های ایرانی (به عنوان مؤلفه‌ای هویتی) نگرشی مثبت است. از جمله غذاهای یادشده در این داستان‌ها عبارتند از: چلوکباب، دیزی، بریانی، باقلا، حلیم بادمجان و غیره. همچنین خوردنی‌هایی که آدم را فقط به یاد ایرانی جماعت می‌اندازد و موافق طبع ایرانی است مثل سیراب و شیردان و شکمه، کاهو و سکنجبین، سرشیر و غیره.

نان‌های ایرانی مانند سنگک، تافتان، لواش؛ انواع شیرینی‌ها که برخی سوغات شهرهای مختلف هم هستند نظیر باسلق ملایر، قرص‌های گز اصفهان، نان برنجی قزوین، و سوهان قم خوراکی‌های دیگری هستند که رنگ و بوی ایرانی به داستان‌های جمال‌زاده داده‌اند.

باورهای عامیانه رایج بین مردم

اشاره به باورهای عامیانه و خرافه‌ها در داستان‌های جمال‌زاده تقریباً نمود زیادی دارد. اعتقاداتی از قبیل اعتقاد به اجنه و از ما بهتران و مسائل مربوط به آنها؛ اعتقادات آخرالزمانی مانند دجال و زن سبیل دار آخرالزمان؛ اعتقاد به سعد و نحس بودن و شگون داشتن یا نداشتن اوقات و اشیا و اتفاقات؛ و سحر و ورد و جادو. اغلب این اعتقادات، خرافه‌ها و باورهای عوامانه توده منفی مردم مثل آدم‌های ساده و جاهل و زنان دهاتی و بی‌سواد هستند که به دنبال پناه و امیدی می‌گردند تا دلداری‌شان دهد و توجیه‌کننده علت و معلول حوادث و اتفاقات زندگی‌شان باشد. جمال‌زاده مانند



برخی افراط‌گرایان نیست که مذهب را زائیده خرافه‌ها بدانند ولی در داستان‌هایش دیده می‌شود که گاه عقاید مذهبی را در ردیف باورهای خرافه آورده و با این کار از ارزش باورهای مذهبی در ذهن خواننده کاسته است. در داستان‌های او اغلب کسانی که باورهای مذهبی مثل اعتقاد به شفا دادن ائمه، توسل به ائمه، نذر، قربانی، اتفاقات آخرالزمان، تبرک و غیره دارند، همان کسانی هستند که به طلسم و باطل‌البحر، رمال و کف‌بین و منجم و فالگیر و رمل و اسطرلاب و جن‌گیر، و نظر قربانی و غیره اعتقاد دارند. اغلب آدم‌های خرافه‌ای در داستان‌های جمال‌زاده را زنان تشکیل می‌دهند!

با تمام این احوال، واضح است که جمال‌زاده به شدت با خرافه‌ها مخالف است و به قول صادق همایونی «در بیشتر نوشته‌هایش به جان خرافه‌ها افتاده است...» (دهباشی، ۱۳۷۷: ۲۶۶). هرچند به نظر می‌رسد گاهی مرز بین کژی‌ها و راستی‌ها (خرافه‌ها و عقاید مذهبی) را تشخیص نداده و آن دو را باهم مخلوط می‌کند و تیغ انتقادش به خرافه‌ها، عقاید مذهبی را هم زخمی می‌کند!

نوع توجه به ویژگی‌های اخلاقی ملی (مثبت و منفی)

ویژگی‌های اخلاقی ملی (چه مثبت و چه منفی) یکی دیگر از مؤلفه‌های هویتی است که در داستان‌های جمال‌زاده نمود دارد که البته با تفاوت معناداری، منفی‌ها در حدود دو برابر مثبت‌ها هستند. در این داستان‌ها، ویژگی‌های منفی زیادی برای حکومت و مردم ایران یا شخصیت‌های داستان که نماینده مردم ایران هستند، برشمرده شده است، از جمله فحاشی و بدزبانی، حرص و طمع، تعارف‌های بی‌معنی و تملق، بی‌وفایی، دروغ‌گویی، خرافاتی و لفاظی، ریاکاری، دورویی، کلاهبرداری و غیره. ویژگی‌های مثبتی نیز بیان شده، از جمله غیرت ملی، حمیت و وطن‌پرستی، نوع‌دوستی و مهمان‌نوازی، خوشمزگی و خنده‌دوست بودن، طبع ظریف و خلوص، هنرمند، با ذوق و سلیقه، اهل شعر و ادب و عرفان و حکمت و غیره. جمال‌زاده کتابی دارد به نام «خلقیات ما ایرانیان» که در آن عقاید و آرای بیگانگان در مورد ایرانیان را طی سال‌ها جمع‌آوری کرده است. نکته قابل توجه این است که وقتی این کتاب را می‌خوانیم و ویژگی‌هایی را که فرنگی‌ها و غیر فرنگی‌ها برای ایرانیان برشمرده‌اند مشاهده می‌کنیم، شباهت قابل توجهی بین آنها با ویژگی‌های گفته‌شده توسط جمال‌زاده در داستان‌هایش برای ایرانیان مشاهده می‌کنیم. در آن کتاب، بدگویی‌های بیگانگان به خوبی‌هایی که گفته‌اند می‌چربد.

نوع توجه به هویت و شناسنامه ایرانی

هر ایرانی، ایرانی است و در وجود او چیزی است که معرف ایرانی بودن اوست که او را از غیر



ایرانی متمایز می‌کند. احساس تعلق و احساس وحدت از احساساتی هستند که احساس هویت را در انسان به وجود می‌آورند. داستان‌های جمال‌زاده پُر است از عباراتی که بیانگر وجود شناسنامه و هویت مشترک ایرانی برای افراد ملت است. به این عبارات توجه کنید: هم‌وطنان ما/ رعیت ایرانی/ فوت و فن‌های کوزه‌گری خودمانی/ همه مثل ما بچه همین آب و خاکند/ هر ایرانی/ مملکت ما/ ما مردم ایران/ علامت مملکت ما / کلاه و لباس خودمانی / بچه همین خاک پاکیم و غیره.

بیان احساس تعلق به ملتی به نام ایران که احساس ایرانی بودن را برای افراد این ملت به ارمغان می‌آورد، در داستان‌های جمال‌زاده موج می‌زند. اما این احساس ایرانی بودن، گاه همراه با افتخارها و گاه بیانگر مشکلات و کاستی‌های جامعه ایرانی است. هر دو نگرش مثبت و منفی به داشتن هویت ایرانی، در داستان‌های جمال‌زاده به چشم می‌خورد که در یک بررسی کلی می‌توان گفت نگرش مثبت در حدود دو برابر نگرش منفی است؛ یعنی ۱۴۰ بار در کنار بیان ایرانی بودن، ویژگی‌های مثبت برای ایرانیان آورده شده و حدود هفتاد بار هم در کنار بیان ایرانی بودن، ویژگی‌های منفی برای ایرانیان آورده شده است. نمونه‌های منفی مانند سایر مردم این آب و خاک معایب و نواقص بسیاری داشتند / فحش‌های آب‌نکشیده که... مخصوص خاک ایران خودمان است / اشخاص پاچه‌ورمالیده مفت‌خوار که علف هرزه مملکت ما هستند و غیره؛ و نمونه‌های مثبت مثل: لباسش از پارچه وطنی است در نهایت پاکیزگی / از آنجاکه ایرانی و مثل همه ایرانی‌ها شب‌دوست و ستاره‌پرست بود / آن باغچه‌هایی که نمونه ذوق و سلیقه هموطنانمان است / و غیره.



نوع توجه به آثار و مکان‌های تاریخی و باستانی ملی

در آثار مورد بررسی، هرچند اندک ولی به برخی آثار تاریخی کشور ایران اشاره شده است. از جمله آثار و مکان‌های باستانی قبل از اسلام به تخت جمشید (پرسپولیس)، شوش، مداین و طاق کسری، قصر شیرین و بیستون اشاره شده و نویسنده از آنها با عنوان یادگارهای تاریخی گرانقدر ما یاد می‌کند؛ ایوان مداین را مزار عظمت و شکوه ایران باستان معرفی می‌کند و قصر شیرین و بیستون را منزلگه کامیابی خسرو و نامرادی فرهاد می‌خواند. از آثار و مکان‌های مورد اشاره که مربوط به بعد از اسلام هستند و به عصر ما نزدیک هستند می‌توان به مدرسه چهارباغ یا مادرشاه اصفهان، تخته پولاد (قبرستان تخت فولاد)، مسجد شیخ لطف‌الله، دروازه الله‌اکبر شیراز، پل‌ها و کاخ‌های اصفهان، مدرسه خان، قلعه سنگی کنگاور و مسجد شاه اشاره کرد.

اغلب این اماکن به شهر اصفهان تعلق دارند چراکه زادگاه جمالزاده است و طبعاً نقش پررنگ‌تری در داستان‌هایش دارد. علاوه بر اینها از مکان‌هایی قدیمی با احساساتی نوستالژیک نام برده شده که آثار تاریخی و باستانی محسوب نمی‌شوند ولی مربوط به فرهنگ قدیمی‌تری نسبت به زمان ما هستند؛ مثلاً چندین‌جا از حمام‌های سنتی یاد شده است؛ سقاخانه‌ها و نقاره‌خانه‌ها و بازارهای سقف‌دار. همچنین مکان‌هایی از تهران قدیم مانند قاپوق میدان معروف تهران و میدان کاه‌فروش‌ها از دیگر مکان‌های مورد اشاره در این داستان‌ها هستند که رنگ و بوی هویت ملی و ایرانی به فضای داستان بخشیده‌اند.

نوع توجه به اساطیر ملی در داستان‌های مورد بررسی

اساطیر یک ملت، آئینه و بازتاب رؤیاهای آن ملت است. یکی از ابزارهای زیبا و هنرمندانه برای تأثیرگذار کردن آثار ادبی مانند شعر و داستان، بازآفرینی اسطوره‌ها در این آثار است. نحوه بازآفرینی اسطوره‌ها در آثار نویسندگان، بیانگر گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان است. اساطیر مورد اشاره در داستان‌های مورد بررسی عبارتند از: هما، فرهما، هفت‌خوان رستم، اکوان دیو، رستم، رخس، عنقا و کیمیا، فریدون، ضحاک و مارهایش، دیو و دد، اسفندیار، دیو سفید، گرز رستم، سیمرغ، طوس، بهمن و ارجاسپ و گشتاسپ و سلم و تور، جام گیتی‌نما، کاوه آهنگر و غیره.

با نگرشی کلی به این داستان‌ها، تا اندازه‌ای می‌توان نحوه بازآفرینی اسطوره‌ها در این داستان‌ها را توسط جمالزاده دریافت. مثلاً حاصل بازآفرینی دو اسطوره رستم و فریدون در عصر جمالزاده شد: «رستم درمانده» و «فریدون ستم‌دیده»! اما بدتر از این دو، تجلی اسطوره کاوه آهنگر در آن عصر است که حاصلش «جعفر پنبه‌زن» است! در این داستان‌ها با لحن طنز، اسطوره‌پردازی در خدمت بیان اوضاع بد و آشفته روزگار قرار گرفته و اسطوره‌های بازآفرینی‌شده، در برابر مشکلات بی‌شمار عصر مغلوب و درمانده شده‌اند. این طنز، طنز جالبی است؛ هرچند ممکن است ارزش اساطیر را به عنوان آئینه رؤیاهای جمعی یک ملت، در ذهن خواننده پایین بیاورد.

توجه به پرچم یا علامت ملی

داستان‌های جمالزاده مربوط به پیش از انقلاب هستند و علامت پرچم در آن دوره شیر و



خورشید بوده است. در این داستان‌ها در موارد انگشت‌شماری از علامت شیر و خورشید نام برده شده است. در یک مورد، از این علامت به عنوان علامت مملکت (و نه حکومت) و نشانه مردی و افتخار یاد شده است (کهنه و نو: ۲۰۲ و ۲۱۱). نگرش مثبت به علامت شیر و خورشید که علامت پرچم ایران بود، تنها در همین یک مورد که علامت کشور و مملکت دانسته شده، دیده می‌شود. در سایر موارد که این علامت نشان حکومت (و نه مملکت) است، نگرشی منفی به آن دیده می‌شود. به عبارات زیر توجه کنید: «به این شمشیر کله و به این اخ و تفی که به کلاهش چسبانده می‌نازد» (کهنه و نو: ۱۹۹)؛ «با آن سبیل چخماقی و آن گردن کلفت و شکم ستبر و چکمه به پا و شمشیر و خورشید به کلاه» (کهنه و نو: ۱۸۹) / و غیره.

توجه به ورزش‌های ملی و باستانی ایران

ایران از جمله کشورهایی است که ورزش باستانی و ملی دارد که می‌تواند یکی از عناصر هویتی ملت ایران به شمار رود. مهد ورزش زورخانه‌ای و ورزش کشتی و چوگان، ایران است و این ورزش‌ها به نمادهای هویتی در فرهنگ ایران تبدیل شده‌اند. در موارد انگشت‌شماری، اصطلاحاتی مربوط به این ورزش‌ها با نگرش خشتی مایل به مثبت، در داستان‌های جمال‌زاده به چشم می‌خورد. اصطلاحاتی مانند گود زورخانه، زورخانه کار و کت و کوپال‌دار، پهلوان، کشتی گرفتن، کمر بند پهلوانی شهر اصفهان، سکوی زورخانه، کشتی‌گیر، مرشد و میاندار و غیره. همچنین به بازی‌هایی نظیر نرد و شطرنج، گوی و چوگان (سواری و چوگان‌بازی) و قاپ و سه‌قاپ اشاره شده که در بین ایرانیان رواج داشته است.

نوع توجه به اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایران

ایران کشوری است با اقوام و خرده‌فرهنگ‌های متعدد که این خرده‌فرهنگ‌ها، سازندهٔ هویت ایرانی هستند. اقوامی شامل فارس‌ها، ترک‌ها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، کردها، لرها، ایلات و عشایر، یهودی، ارمنی و غیره. در داستان‌های جمال‌زاده نام برخی از این اقوام آمده است و تصویری از خلیقات، زندگی و منش آنها نشان داده شده است. تصویری که جمال‌زاده از زندگی مردم ایللیاتی نشان داده، تصویر بسیار ایده آل و مثبتی است. او ایللیاتی‌ها را مردمانی پاک و ساده و شجاع و بی‌غل و غش معرفی می‌کند. در داستان «عقد تمهیدی»، به شکل تلویحی، لرها انسانهایی صادق معرفی شده‌اند. جمال‌زاده در داستان «خواستگاری»، خلیقات و منش خاصی



برای مردم برخی شهرهای ایران برشمرده است: شیرازی‌ها را اهل ظرافت و مطایبه دانسته؛ اصفهانی‌ها را شوخ و اهل بذله و مضمون و متلک می‌داند؛ تبریزی‌ها را اهل دبه و طعن و طنز می‌داند و خراسانی‌ها را خشک و مقدس‌مآب و معروف به کله‌شقی! در جایی گفته است: «همان‌طور که از کاشانی شجاعت و از قزوینی فطانت و از قمی مسالمت نباید توقع داشت، از خراسانی هم نباید منتظر این گونه بازی‌ها و ترک‌تازی‌ها بود...».

همان‌طور که ملاحظه شد، برای اقوام و مردم شهرهای مختلف، هم ویژگی‌های مثبت و هم ویژگی‌های منفی بیان شده است. به نظر می‌رسد که وی بیش از همه به ویژگی‌های اقوام ترک اشاره کرده و از لحاظ تاریخی تصویر مثبتی از آنها ارائه نداده است. در حالی که جمالزاده از ترکی جز یک طومار دشنام که «کپه اوغلی» در میان آنها حکم راز و نیاز عاشقانه و قربانت بشوم داشت، چیزی نمی‌دانست (یکی بود یکی نبود) و غیره.

نوع توجه به جغرافیا و مکان‌ها

محدوده سرزمینی و میراث تاریخی شاخص ملموس‌تری از هویت ایرانی به دست می‌دهند. می‌توان به نوعی جغرافیا را ظرف یا بقچه هویت ایرانی تشبیه کرد که جامع تمام صفحات درونی و مظاهر بیرونی ایرانیان بوده است. در طول زمان خاطرات ایرانیان در قالب جغرافیای ایران نگهداری شده و بدین ترتیب هویت ایرانی حفظ شده است. در داستان‌های جمالزاده از شهرها و مکان‌های زیادی در ایران نام برده شده که روحیات و اخلاق عمومی مردم برخی شهرها، نسبت‌ها و صفاتی که به برخی شهرها داده شده، مسائل طبیعی و آب‌وهوایی و سوغات و پوشاک و دیدنی‌ها و محله‌ها و غیره مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در این داستان‌ها به شهرهای زیادی اشاره شده است از جمله تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز، رشت، انزلی و غیره.

جمالزاده داستان‌هایش را در فضاهایی روایت می‌کند که یادآور خاطرات نوستالوژیک دوران کودکی او هستند. از محله‌ها و میدان‌ها و خیابان‌هایی مثل چهارسو، قاپوق، بازارچه معیر و غیره حرف می‌زند که ظاهراً محل زندگی او در روزگار کودکی‌اش بوده‌اند. از دیگر مظاهر هویت جغرافیایی که در داستان‌های جمالزاده جلوه کرده، طبیعت ایران است: کوه‌های شمیران (کهنه و نو: ۴۶)؛ دریای خزر (کهنه و نو: ۹۳)؛ جنگل‌های مازندران (تلخ و شیرین: ۱۸۴)؛ کوه دماوند، کویر لوت، جبال البرز (تلخ و شیرین: ۲۴۶) همگی از مظاهر طبیعت دل‌انگیز ایران هستند که به این داستان‌ها، رنگ هویت ایرانی می‌دهند.



سرزمین ایران ظرفی است که جمالزاده اغلب خاطرات زندگی و از جمله کودکی خود را در آن ریخته و داستان‌هایی آفریده که رنگ‌وبوی هویت این سرزمین را دارند. همین است که باعث شده دوباره او بگویند که روح ایرانی را در فرم داستان غربی دمیده و داستان کوتاه ایرانی را پایه‌گذاری کرده است. توجه به چهارچوب فیزیکال و سرزمینی هویت در داستان‌های جمالزاده اغلب با نگرشی خنثی مایل به مثبت و با احساساتی نوستالژیک همراه است.

توجه به مؤلفه هویتی زبان

همان‌طور که در نمودارهای تحلیل توصیفی دیدیم، بیشترین مؤلفه هویتی در داستان‌های جمالزاده را مؤلفه زبان تشکیل می‌داد که به شکل قابل توجهی بسیار بیشتر از مؤلفه‌های دیگر خودنمایی می‌کرد. در آثار جمالزاده، حضور اجتماعی زبان در قالب داستان و ادبیات داستانی را شاهد هستیم. نخستین داستانی که جمالزاده نوشته یعنی «فارسی شکر است» به بیان اهمیت زبان در ایجاد تفاهم و همبستگی در بین افراد جامعه و در نتیجه پیوند زبان و هویت می‌پردازد. «اهمیت زبان در بیان و معرفی هویت، آن است که هم مؤلفه و رکن قوی هویت است و هم ابزاری است برای مطرح کردن سایر مؤلفه‌ها. بخش اعظم خاطرات تاریخی و مناسک دینی و ملی به واسطه زبان بیان می‌شوند» (نصری، ۱۳۸۷: ۶۸).

جمالزاده با به کار بردن عبارات‌ها و اصطلاح‌های عامیانه، کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و غیره در مکالمه‌های شخصیت‌های داستان‌هایش که - اغلب آن عوام را تشکیل می‌دادند - ظرفیت عظیم دستوری و ارتباطی و بخش مهمی از ظرفیت واژگانی و معنایی زبان فارسی را نشان داد. داستان‌های کوتاه ایرانی با زبان شیرین فارسی، موجب ایجاد پیوندی عاطفی میان مردم و زبان می‌شوند و مردم را ترغیب به حفظ زبان و هویت خود می‌کنند.

جمالزاده حضور اجتماعی زبان را پُررنگ کرد. او با کاربرد ترانه‌های بومی، اشعار و سخنان نغز بزرگان ادبیات، در توصیف مجالس جشن و سرور مثل مجلس سخنوری، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاح‌های عامیانه و غیره در موقعیت‌های خاص، زبان فارسی را وارد اجتماع کرد و از این طریق روحی دوباره به آن داد. زبان به عنوان مؤلفه هویت ملی در آثار جمالزاده، ظرفی است که مؤلفه‌های دیگر هویت مانند فرهنگ و تاریخ و جغرافیا و اساطیر و غیره در آن جای گرفته‌اند. با نگاهی کلی به تمام ضرب‌المثل‌ها و عبارات‌های عامیانه و غیره در این چهار کتاب مورد بررسی، می‌توان گفت بیشتر این ضرب‌المثل‌ها و عبارات‌ها، بیانگر روابط درون‌گروهی



نه‌چندان مثبت بین مردم ایران هستند و انعکاسی از نگرش‌ها و رفتارهای منفی مردم نسبت به یکدیگر را به نمایش می‌گذارند؛ یعنی در عین حال که این ضرب‌المثل‌ها و اصطلاح‌ها و کنایه‌ها از اجزای زبان و در نتیجه مؤلفه‌های هویتی هستند که ظرفیت ارتباطی و طنزآزی زبان را بیان می‌کنند، در خدمت بیان روابط درون‌گروهی غیرمتعارف و منفی یا بحران هویت بین افراد جامعه قرار گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، یک مؤلفه هویتی در خدمت توصیف طنزآمیز بحران هویت اخلاقی در اجتماع قرار گرفته است. بیشتر این ضرب‌المثل‌ها و اصطلاح‌ها و کنایه‌های عامیانه، حاوی بار منفی و بیانگر خلق و خوی بد حاکم بین مردم هستند. بسیاری از آنها به اخلاق و رفتاری منفی همچون دروغ، ریا، نفاق، حرص و طمع، ظلم و بی‌رحمی، فقر، حقه و فریب مربوط می‌شوند. مثال: «نان ندارم وصله شکم بکنم» (کهنه و نو: ۱۶)؛ «شیطان باید پیش تو درس بگیرد» (کهنه و نو: ۸۵)؛ «دبگی که برای من نجوشد سر سگ توش بجوشد» (کهنه و نو: ۱۱۲)؛ «جانماز آب می‌کشیدند» (تلخ و شیرین) و غیره.

نتیجه‌گیری

جمال‌زاده با کاربرد ظرفیت‌های زبان فارسی مانند لغات و اصطلاح‌های عامیانه، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و غیره در داستان‌هایش، بر نقش زبان به عنوان یک مؤلفه هویتی مهم تأکید کرده است. از دیگر مؤلفه‌های مورد توجه او در داستان‌هایش - آن‌گونه که نمودارهای پژوهش نشان دادند - می‌توان به جغرافیا، تاریخ، مشاهیر ملی و برخی مظاهر فرهنگی مانند غذا و لباس اشاره کرد. نگرش کلی جمال‌زاده به مؤلفه‌های هویت ملی، غالباً همراه با احساسی نوستالوژیک و مثبت است و مؤلفه‌های هویت ملی، اغلب مظلوم و ستم‌دیده جلوه داده شده‌اند.

جمال‌زاده، به‌ویژه در اوایل بازه زمانی داستان‌نویسی خود، در معرفی هویت ملی بیشتر بر عناصر ظاهری و ملموس هویت مانند زبان، تاریخ، جغرافیا، ابنیه و مکان‌ها، غذاها و لباس تکیه کرده است. نکته قابل توجه در زندگی او، دوری او از فضای فرهنگی ایران و زندگی در غرب است. او در خانواده‌ای مذهبی در ایران متولد شد و در نوجوانی به غرب رفت. شاید زندگی او در فضای دو فرهنگ متفاوت با دو هویت متفاوت، علت برخی دوگانگی‌ها و التقاط‌های هویتی مشاهده‌شده در داستان‌هایش باشد. آنچه در جمع‌بندی یافته‌های پژوهش می‌توان گفت این است که نمادهای هویت ملی در آثار داستانی جمال‌زاده حضور پررنگی دارند و از این جهت می‌توان گفت که داستان‌های جمال‌زاده بسیار وابسته به زمینه هستند.



جامعیت توجه وی به قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، جغرافیا و مکان‌ها، هنر ملی، ادبیات، تاریخ و تمدن، مشاهیر ملی، آداب و رسوم و عادات و جشن‌ها و اعیاد، لباس‌های ایرانی، غذای‌های ایرانی، باورهای عامیانه رایج بین مردم، باورهای مذهبی، ویژگی‌های اخلاقی منفی (مانند فحاشی و بدزبانی، حرص و طمع، تعارف‌های بی‌معنی و تملق، بی‌وفایی، دروغ‌گویی، حرافی و لفاظی، ریاکاری، دورویی، کلاهبرداری) و مثبت، بی‌گمان نشانگر دانش کافی او از فرهنگ ایرانی و جهت‌گیری او برای آگاه کردن مردم، نقاط ضعف و قوت هویت ملی حاکم بر آنان است. نظر به تأثیرپذیری هویت ملی از تغییرات اجتماعی (ایکھویا، ۱۹۹۸؛ به نقل از لایو، لم، و لیونگ، ۲۰۱۰) و چالش‌های موجود در جامعه ایران (اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، سیاسی، مدیریتی و غیره) لازم است تحقیقات جامعی برای شناسایی آنها صورت گیرد و از ادبیات در قالب‌های مختلف (داستان، شعر، رمان و غیره) با هدف آموزش، آگاهی و تغییر نمادهای نامناسب استفاده شود.



کتابنامه

- افشار، ایرج (۱۳۷۶)، محمد علی جمال زاده، نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره سوم ایرانی، ناصر (۱۳۸۰)، هنر رمان، تهران: نشر آبانگاه، چاپ اول.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۴۵)، «خلفیات ما ایرانیان»، انتشارات مجله مسائل ایران، شماره ۴.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۷۹)، قصه ما به سر رسید، تهران: انتشارات سخن.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۸۰)، تلخ و شیرین، تهران: انتشارات سخن.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۸۸)، کهنه و نو، تهران: انتشارات سخن.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۸۹)، یکی بود یکی نبود، تهران: انتشارات سخن.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۶)، «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۲.
- دولت آبادی، محمود (۱۳۸۵)، نامه جمالزاده به دولت آبادی؛ جمالزاده نماد روشنفکری ایرانی در تلفیق تمدن خودی و غربی، نشریه فرهنگ و هنر، بخارا، شماره ۵۷.
- دهباشی، علی (۱۳۷۷)، یاد محمدعلی جمالزاده، تهران: نشر ثالث.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۲.
- رایف، دانیل؛ استفان لیسسی؛ فریدریک جی فیکو (۱۳۸۸)، تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، مترجم: مهدخت بروجردی علوی، انتشارات سروش، بهمن ۱۳۸۸.
- صادق‌زاده، رقیه (۱۳۸۶)، «بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- صنیع اجلال، مریم (۱۳۷۵)، درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، تهران: تمدن ایرانی.
- علم، محمدرضا و محمدعلی جودکی (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان عارف قزوینی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شماره ۳.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، مجموعه مقالات هویت در ایران (رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی به هویت و بحران هویت در ایران)، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، چاپ اول.
- فولادی، محمد (۱۳۸۶)، «هویت ملی؛ عناصر، چالش‌ها (نگاهی به نظریه فلسفی ذات)»، مجله معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۱۶.
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۹۰)، تحلیل محتوا (مبانی روش‌شناسی)، مترجم: هوشنگ ناییبی، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۳)، جوانان و مناسبات نسلی در ایران، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.



منادی، مرتضی و رقیه صادق‌زاده (۱۳۸۷)، «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های فارسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره متوسطه»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال هفتم، شماره ۲۷.
نصری، قدیر (۱۳۸۷)، مبانی هویت ایرانی، تهران: تمدن ایرانی.
هولستی، ال. آر (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، مترجم: نادر سالارزاده امیری، چاپ اول تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

Ahmadi, H. (2005), "Unity within Diversity : Foundations and Dynamics of National Identity in Iran", *Critique : Critical Middle Eastern Studies*, 14: 1.

Berg, L., & Hjerm, M. (2010), "National Identity and Political Trust", *Perspectives on European Politics and Society*, 11.

Gartzke, E., & Gleditsch, K. S. (2006). Identity and Conflict: Ties that Bind and Differences that Divide. *European Journal of International Relations*, 12(1), 53–87. doi:10.1177/1354066106061330

Kasworm, C. E. (2010), "Adult Learners in a Research University: Negotiating Undergraduate Student Identity", *adult education quarterly*, 60 (2).

Kurth, J. (2007), "Religion and National Identity in America and Europe", *Soc*, 44.

Lau, P. W. C., & Lam, M. H. S. (2010), "National Identity and the Beijing Olympics : School Children ' s Responses in Mainland China, Taiwan & Hong Kong", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 41.

Mccrone, D., & Bechhofer, F. (2008), "Ethnic and Racial Studies National identity and social inclusion", *Ethnic and Racial Studies*, 31, 7 (February 2013).

Pavlovi, S. (2003), "Literature, Social Poetics, and Identity Construction in Montenegro", *International Journal of Politics, Culture and Society*, 17 (1).

Phinney, J., Berry, W. B., Sam, D. L., & Vedder, P. (2006), *Understanding Immigrant Youth: Conclusions and Implications. In Immigrant Youth in Cultural Transition: Acculturation, Identity and Adaptation across National Contexts*, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

Priestley, M. (2010), "Global Discourses and National Reconstruction : The Impact of Globalization on Curriculum Policy", *Curriculum Journal*, 13.

